

## حوادث ۱۹

### تلنگر

### مرگ ۲مرد در آتش انتقام

خانواده مرد بنگاهی که در آتش انتقامجویی مرد بدبین سوخته بود دیروز در دادگاه حاضر شدند و خواستند تا دیه از صندوق بیت‌المال به آنها پرداخت شود. عامل جنایت نیز در جریان آتش سوزی جان سپرده بود.

به گزارش خبرنگار جام جم، اواخر پاییز ۹۷ به ماموران کلانتری ۱۲۱اسلیمانیه خبر رسید در جریان آتش سوزی شبانه در يك بنگاه معاملات ملکی دو نفر به نام‌های حسن و بهروز به شدت دچار سوختگی شده و به بیمارستان منتقل شده‌اند.

پلیس به تحقیق پرداخت و دریافت بهروز به قصد انتقامگیری با يك گالن چهار لیتری بنزین داخل بنگاه املاک حسن رفته تا آنجا را به آتش بکشد، اما بعد از ریختن بنزین در بنگاه به‌خاطر روشن بودن بخاری گازی یکباره شعله‌ور شد.

بهروز در حالی که به شدت سوخته بود روی تخت بیمارستان به ماموران پلیس گفت: تصور می‌کردم حسن به زن من نظر دارد. پیش از این او را تهدید به مرگ کرده و از او خواسته بودم تا دست از سر زندگی‌ام بردارد، اما گوشش بدهکار نبود، به همین خاطر آن روز يك گالن چهار لیتری بنزین برداشتم و مقابل بنگاه حسن رفتم. من می‌خواستم او را بترسانم. به همین خاطر بنزین را در بنگاه پاشیدم اما قبل از این‌که کبریت بنزن بنزین به خاطر روشن بودن بخاری گازی شعله‌ور شد و من و حسن هر دو گرفتار شدیم.

به‌دنبال این ادعا، پلیس به بازجویی از همسر وی پرداخت. زن جوان گفت:هیچ ارتباطی با حسن نداشته و شوهرم اشتباه فکر می‌کرده است.

حسن نیز که به شدت دچار سوختگی بود و به سختی صحبت می‌کرد به ماموران گفت: بهروز گمان می‌کرد من با زنش در ارتباط هستم اما او دچار توهم شده بود. من هیچ رابطه‌ای با همسر او نداشتم.

در حالی که هنوز تحقیقات تکمیل نشده بود، بهروز و حسن يك هفته بعد از آتش سوزی به‌خاطر شدت سوختگی روی تخت بیمارستان تسلیم مرگ شدند.

به این ترتیب پلیس سراغ خانواده‌های آنها رفت. خانواده بهروز به ماموران گفتند: پسرمان قصد داشت حسن را بترساند، ولی نمی‌خواست او را بکشد.

با مرگ حسن و بهروز و در حالی که پرونده محتومه شده بود،بهروز اولیای دم حسن در شعبه چهارم دادگاه کیفری يك استان تهران حاضر شدند و درخواست کردند دیه از صندوق بیت‌المال به آنها پرداخت شود.

پدر حسن به قضات دادگاه گفت: پسرم بیگناه بود و قربانی بدبینی بهروز شد. حالا که بهروز هم مرده، تقاضا داریم تا دیه پسرمان از صندوق بیت‌المال به ما پرداخت شود.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا درباره این درخواست اظهار نظر کنند.

### قتل در پمپ بنزین

کارگر جایگاه سوخت که در پی اختلاف کاری همکار خوناش را کشته و جسد او را در گودالی انداخته بود، بازداشت شد و به جنایت اعتراف کرد.

سرتیپ دوم خلیل واعظی، فرمانده انتظامی استان بوشهر به سایت پلیس گفت: ۱۱ تیر امسال مردی با حضور در پلیس آگاهی با طرح شکایتی عنوان کرد برادر ۳۴ ساله‌اش به نام علی که در یکی از جایگاه‌های سوخت در شهر بوشهر کار می‌کرده، چند روزی است تلفن همراهش خاموش شده و به‌طور مشکوکی ناپدید شده است.

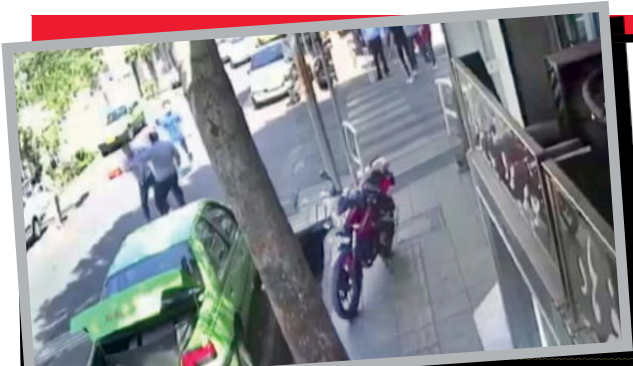
پرونده ای در این باره تشکیل و تحقیقات پلیسی نیز آغاز شد.

وی افزود، این در حالی بود که دوستان و همکاران فرد گمشده مورد تحقیقات قرار گرفتند و سرانجام پلیس به یکی از همکاران او مشکوک شده و وی تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و زمانی‌که قصد داشت وارد مرکز درمانی ای شود شناسایی و بازداشت شد. متهم در بازجویی پلیسی اعتراف کرد به‌خاطر اختلاف کاری با مقتول، با او درگیر شده و وی را با ضربه‌های چاقو به قتل رسانده و جسد او را نزدیک چغادک برده و داخل گودالی انداخته است.

ماوران به آنجا اعزام شدندوبعد از کشف جسد، آن را به پزشکی قانونی منتقل کردند. تحقیقات از متهم به قتل در پلیس آگاهی ادامه دارد.



حبس محکوم شد که در تجدید نظر تایید شد، اما بخش دیگری از پرونده‌اش به دادگاه انقلاب اسلامی تهران ارسال شد که دو بار در شعبه ۲۸ حکم اعدام گرفت که هر دوبار حکم در دیوان‌عالی‌کشور نقض شد. حالا پرونده به شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب ارسال شده تا متهم برای سومین بار محاکمه شود.



به‌دست آوردم.

همیشه مسلحی؟

نه. سلاح کلت برای دوستم مصطفی بود. آن را شش‌میلیون تومان از فردی خریده بود.

از روز جنایت بگو.

بعدازظهر مقتول و پدرش و چند نفر دیگر را در خیابان دیدم که با هم دعوایمان شد و آنها به من تکه انداختند. در ادامه به خانه بازگشتم و سوار موتور یکی از دوستانم شدم. همان موقع مصطفی با من تماس گرفت و خواست که سلاح را برایش بیاورم. درحال عبور از مقابل مغازه قصابی مقتول و پدرش در خیابان صفا بودیم که او دوباره مرادید و به من متلک گفت و صبابانی ام کرد. آنها بیست نفر بودند که با من دعوا کردند. در این گيرو دار با سلاحی که داشتم به مقتول چند تیر شلیک کردم. دوستان مقتول ده ضربه با قمه و چاقو به من زدند.

بعد از قتل کجا رفتی؟

سلاحم در محل جنایت افتاد و همانجا ماند. خیلی ترسیده بودم و بی‌آن‌که به خانواده‌ام بگویم با پولی که همراه داشتم سوار موتور شدم و فرار کردم. بعداز آن به ترمینال رفتم و با سوار شدن به اتوبوس به غرب کشور رفتم. درشهر مرزی با پولی که داشتم خانه‌ای اجاره کردم. پنج شبانه‌روز نخوابیدم و فقط صحنه درگیری آن جوان مقابل چشم‌انم بود. در این يك ماه فقط نوشابه، نوشیدنی، آب و بیسکویت می‌خوردم. حتی زمانی که بازداشت شدم، غافلگیر شدم.

می‌خواستی به کدام کشور فراری؟

من قصد فرار به خارج را نداشتم و نمی‌دانم چرا پلیس این موضوع را مطرح کرده است.

حرف آخر؟

نمی‌خواستم پسر جوان کشته شود، با او مشکلی نداشتم. کارت قرمز دارم و از سربازی معاف شدم و در چند سال اخیر هم دچار مشکلات روحی شده و افسرده بودم.

نیاز دارد، دختران جوان را اغفال و آنها را مورد آزار و اذیت قرار می‌داد و حتی برخی از آنها را با تهدید به این‌که فیلم سیاه از آنها دارد و آن را برای خانواده‌هایشان ارسال می‌کند مجبور به ادامه ارتباطش می‌کرد. او در دادگاه ارشاد بابت تشویق به فساد و فحشا به ۱۲ سال و شش ماه و بابت تهدید به دو سال و شش ماه

شروع شرق تهران در گفت‌وگو با جام جم، جزئیات شرارت منجر به قتل را تشریح کرد

# گول هیکلکم را خوردم!



شروع معروف شرق تهران معروف به غول، دیروز

جزئیات تیراندازی مرگبار در شرق تهران را تشریح کرد. سرهنگ کارآگاه داوود فرد، جانشین رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ دیروز در جمع خبرنگاران در تشریح عملیات دستگیری متهم اظهار کرد: ۹ خرداد سال

جاری پس از اعلام فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مطلع شدیم در منطقه شرق تهران نزاعی صورت گرفته که در پی این درگیری يك نفر با سلاح گرم به قتل رسیده است. کارآگاهان بلافاصله در صحنه قتل حاضر و متوجه شدند یکی از اراذل و اوباش سطح يك شرق تهران معروف به غول در این درگیری حاضر بوده و پس از قتل مردی با شلیک گلوله متواری شده است. با شناسایی هویت عامل جنایت تیمی از ماموران راهی خانه او و پاتوق هایش شدند، اما غول از تهران گریخته

## قتل مرد دامدار

## برای سرقت

## يك گوسفند

اعضای باند سرقت مسلحانه که مرد دامداری را به‌خاطر سرقت يك راس گوسفند کشته بودند، با ردیابی‌های پلیسی دستگیر شدند. یکی از اعضای باند هنگام فرار از دست پلیس از پنجره سقوط کرد و جان باخت.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده با گزارش قتل مردی در یکی از محله‌های هشتگره به پلیس در دستور کار ماموران جنایی قرار گرفت. ماموران پس از حضور در محل قتل در تحقیقات در یافتند که مقتول دامدار بوده که در جریان درگیری با دزدان گوسفند با شلیک گلوله آنجا از پا درآمده است. بررسی‌های بیشتر در محل قتل نشان داد قاتلان سه مرد بودند که با يك دستگاه پراید به محل جنایت آمده و يك راس گوسفند سرقت کرده بودند. گزارش کارشناسان تشخیص هویت هم نشان داد اسلحه‌عاملان جنایت از نوع وی‌نچستر بوده است. با انجام تحقیقات مقدماتی در محل قتل، جسد با هماهنگی قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد و تیمی از کارآگاهان تحقیقات برای بازگشایی از جنایت را زیر نظر بازپرس ویژه قتل آغاز کردند.

ماموران در جریان تحقیقات ردیابی يك باند سرقت مسلحانه را در این ماجرا به دست آورده و سه عضو اصلی باند را شناسایی و دوف نفر از آنها را دستگیر کردند. سومین متهم وقتی خود را در دام پلیس دید، قصد فرار داشت که از پنجره سقوط کرد و جان باخت. در ادامه مشخص شد، همسر یکی از متهمان نیز با آنها همدستی داشته که او هم قبل از فرار دستگیر شد. متهمان در بازجویی‌ها به قتل مرد دامدار اعتراف کرده و گفتند: پس از سرقت قصد فرار از محل را داشتم که مقتول متوجه شد و سد راهمان شد. ما هم به‌خاطر این‌که خود را در خطر دستگیری می‌دیدیم، به سمت او شلیک کردیم که باعث مرگش شد. ماموران که احتمال می‌دادند اعضای این باند مرتکب جرایم دیگری هم شده باشند، به بازجویی از آنها ادامه دادند که متهمان لب به اعتراف باز کرده و به پنج فقره سرقت مسلحانه دیگر در فردیس، کرج و هشتگرد اعتراف کردند.

سرهنگ نادریبگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز در این باره به جام جم گفت: متهمان با دستور قضایی در اختیار کارآگاهان اداره جنایی قرار گرفتند و بازجویی‌ها برای کشف جرایم احتمالی دیگر ادامه دارد. این در حالی است که پرونده قتل مشابه دیگری در هشتگرد پیش روی پلیس است که احتمال می‌رود توسط اعضای این باند به وقوع پیوسته باشد.

راز زن جوان که شوهر صیغه‌ای خود را بعد از قتل در کمد دیواری خانه دفن کرده بود پس از چهار ماه فاش شد. متهم مدعی شده مقتول قصد آزار و اذیت دخترش را داشته است.

به گزارش خبرنگار جام جم، راز این جنایت هولناک ساعت ۱۹ و ۴۵ دقیقه جمعه ۱۴ تیر امسال و به دنبال کشف جسد مردی در کمد دیواری خانه‌ای در شرق تهران فاش شد. ماموران پس از حضور در محل کشف جسد در طبقه چهارم يك ساختمان در خیابان شکوفه با جسد مرد جوانی رو به رو شدند که مدت‌ها از مرگش می‌گذشت و دست و پاهایش با پارچه بسته شده بود. مرد صاحبخانه به ماموران گفت: يك سال قبل زن جوانی همراه دخترش این خانه را اجاره کردند و مرد جوانی نیز که شوهر صیغه‌ای زن جوان بود به این خانه رفت و آمد داشت، اما از چهار ماه قبل دیگر از او خبر نشد تا

### می‌خواستم دخترم را نجات دهم

شب‌نم که به اتهام قتل شوهر موقتش بازداشت شده بود همراه دخترش شب‌نه ۱۵ تیر امسال به شعبه دوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران نزد بازپرس مرادی منتقل شد و اعتراف کرد چون شوهرم وقتش قصد تجاوز به دخترش را داشته او را کشته و جسدش را در کمد خانه دفن کرده است. این در حالی بود که دخترش نیز گفته‌های مادرش را تایید کرد و هر دو برای ادامه تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شدند.

از آشنایی با مقتول بگو.

من در يك فروشگاه تولید و فروش کفش کار می‌کردم و مقتول همکارم بود. او از همسرش جدا شده و يك فرزند داشت. او ابراز علاقه کرد و بعد از مدتی به عقد موقت او درآمدم.

پیش از این ازدواج کرده بودی؟

بله. از شوهر اولم يك دختر نوجوان دارم. پدر او فریبم داد و همه ارث و میراث خانوادگی ام را تصاحب کرد و متواری شد. از او شکایت کردم. چند پرونده کلاهبرداری هم داشت که همین باعث شد گرفتار قانون شود و من هم از او طلاق گرفتم.

بعد چه شد؟

يك سال و نیم قبل با مقتول ازدواج کردم. او خانه‌ای اجاره کرد و همراه دخترم به خانه او رفتم و سه نفری با هم زندگی می‌کردیم.

با هم اختلاف داشتید؟

چند ماه اول زندگی من، نه، اما بعد از مدتی متوجه شدم او دست به کارهای خلاف می‌زند، معتاد است و دست بزن دارد و من و دخترم را بعد از هر دعوا کمک می‌زد. این اواخر شدت درگیری مان بیشتر هم شده بود.

از شب جنایت بگو.

عصر آن روز دخترم در خانه بود. شوهرم زودتر از من به خانه‌مان رفت. شب وقتی به خانه رسیدیم متوجه شدم او با دخترم درگیر شده و قصد تجاوز به وی را دارد. با شوهرم دعوایم شد و با هم درگیر شدیم. او چوبدستی را که کنار تخت بود، برداشت و به من حمله کرد و می‌خواست مرا به قتل برساند و بعد نیت

# راز قتل شوهر صیغه‌ای در کمد دیواری

این‌که تصمیم گرفتم زن جوان و دخترش را به‌خاطر نپرداختن اجاره خانه با حکم تخلیه از خانه خارج کنم. بعد از رفتن زن جوان و دخترش يك نقاش ساختمان به خانه آوردم تا با نظافت و رنگ کردن خانه، مستاجر جدیدی بیاورم. وقتی برای رنگ زدن به کمد دیواری رسیدیم، مشاهده کردیم کف کمد دیواری سیمان کاری شده و ارتفاع بیشتری پیدا کرده است. از نقاش ساختمان خواستم آنجا را تخریب کند که با جسد در زیر آن روبه‌رو شدیم.

در ادامه خانه زن جوان و دخترش در منطقه عبدل آباد شناسایی شد و شامگاه جمعه ماموران آنها را دستگیر کردند. زن ۴۵ ساله ابتدا خود را در ماجرای قتل بیگناه معرفی کرد و گفت که چهار ماه است از شوهر صیغه‌ای‌اش که معتاد بوده اطلاعی ندار اما بالاخره به قتل مرد ۴۰ ساله در خانه استیجاری اعتراف کرد.



شیطانی‌اش را اجرا کند که موفق نشد. من چوبدستی را برداشتم و ضربه‌ای محکم به وی زدم که فوت شد.

چرا جسد را در خانه دفن کردی؟

خیلی ترسیده بودم تا حالا از نزدیک مرده ندیده بودم. مانده بودیم با جسد چه کنیم. خواستیم او را از خانه بیرون ببریم که ترسیدیم ماجرا لو برود. سرانجام برای پنهان ماندن را ز قتل کف کمد را اکندیم و جسد او را با طناب و پارچه بستیم و دفن کردیم. چند هفته بعد به‌خاطر این‌که کرایه را نپرداخته بودیم، صاحبخانه ما را از خانه بیرون کرد.

حرف آخر؟

فکر نمی‌کردیم ماجرا لو برود، فقط به‌خاطر جان دخترم دست به جنایت زدم.